

شکری محمد عیاد و کتاب «من وصف القرآن لیوم الدین والحساب»

۳۴۵-۳۵۸

چکیده: رهیافت ادبی به تفسیر قرآن یکی از رهیافت‌های نوین تفسیری است که اولین بار امین الخولی آن را معرفی کرد. شکری محمد عیاد، پیرو استادش امین الخولی، تفسیر ادبی را بهترین روش برای رسیدن به فهم آیات قرآن می‌داند. کتاب من وصف القرآن لیوم الدین والحساب تنها کتاب وی در زمینه مطالعات قرآنی است. این کتاب از مقدمه‌ای نسبتاً مفصل و سه فصل «مفردات»، «اسلوب» و «مرامی» (اهداف) تشکیل شده است. وی کوشیده تا در راستای اصول و مبانی مکتب ادبی و توجه به نظرات سایر مفسران و خاورشناسان به فهمی صحیح از معانی اوصاف قیامت برسد. بطوریکه از این طریق به زیبایی‌شناسی قرآن و تأثیرات درونی و وجدانی آیات به شیوه‌ای نوین و ادبی هنری دست یابد. در این مقاله، پس از ارائه توضیحاتی مختصر از اصول و مبانی مکتب ادبی و زندگی‌نامه شکری عیاد، کتاب من وصف القرآن لیوم الدین والحساب را معرفی خواهیم کرد و در قسمت پایانی به برخی روش‌ها و رویکردهای تفسیری عیاد اشاره خواهیم داشت.

کلید واژه‌ها: امین الخولی، مکتب ادبی، شکری محمد عیاد، من وصف القرآن لیوم الدین والحساب.

Shukrī Muhammad ‘Ayād and the Book “Min Waṣf al-Quran Li-Yawm al-Dīn wa Al-Ḥisāb”
Somayeh Khorramnejad

Abstract: The literary approach to the commentary of the Qur’an is one of the new interpretive approaches first introduced by Amin al-Khūli. Shukrī Mohammad Ayad, a follower of his teacher Amin al-Khūli, considers literary commentary to be the best way to understand the verses of the Qur’an. “Min Waṣf al-Quran Li-Yawm al-Dīn wa Al-Ḥisāb” is his only book in the field of Quranic studies. This book consists of a relatively long introduction and three chapters of “Terminology”, “Style” and “Purpose”. He has tried to reach a correct understanding of the meanings of the attributes of the Day of Judgment in line with the principles and foundations of the literary commentary and paying attention to the opinions of other commentators and orientalists. In this way, the aesthetics of the Qur’an and the inner and conscientious effects of the verses can be achieved in a new and literary artistic way. In this article, after giving a brief explanation of the principles and foundations of the literary school of commentary and the biography of Shukrī Ayād, we will introduce the above-mentioned book, and in the final part, we will refer to some methods and interpretive approaches of Ayād.

Keywords: Amin Al-Khūli, Literary School, Shukrī Mohammad Ayad, “Min Waṣf al-Quran Li-Yawm al-Dīn wa Al-Ḥisāb”.

شكري محمد عياد وكتاب (من وصف القرآن ليوم الدين والحساب)
سمية خرم نجاد

الخلاصة: من المسالك الحديثة في تفسير القرآن هو المسلك الأدبي، وكان أول من ذكره هو أمين الخولي. وقد اعتبر شكري محمد عياد التفسير الأدبي أفضل المسالك للوصول إلى فهم الآيات القرآنية، مؤيداً بذلك أسلوب أستاذه أمين الخولي.

وكتاب (من وصف القرآن ليوم الدين والحساب) هو الكتاب الوحيد له في مجال الدراسات القرآنية، ويتكون الكتاب من مقدمة مفصلة نسبياً وثلاثة فصول تحت عناوين (المفردات)، (الأسلوب) و (المرامي).

وقد حاول المؤلف أن يصل إلى فهم صحيح لمعاني وأوصاف القيامة من خلال التزامه بأصول ومباني المدرسة الأدبية ومراجعة آراء كافة المفسرين والمستشرقين بشكلٍ أتاح له الوصول إلى جماليات القرآن والتأثيرات الداخلية والوجدانية لآياته بأسلوب أدبي وفني معاصر. وهذه المقالة بعد تقديمها لتوضيحات مختصرة عن أصول ومباني المدرسة الأدبية وإلقائها الضوء على سيرة شكري عياد، تقدم تعريفاً تستعرض فيه كتاب (من وصف القرآن ليوم الدين والحساب)، لتنتهي في قسمها الأخير بإشارة إلى بعض أساليب عياد ومسلكه التفسيرية.

المفردات الأساسية: أمين الخولي، المدرسة الأدبية، شكري محمد عياد، من وصف القرآن ليوم الدين والحساب.

مقدمه

نیازهای جدید جوامع بشری در عصر حاضر باعث به وجود آمدن رویکردها و جریان‌های تفسیری متفاوت نسبت به تفاسیر گذشته شده است. تأثیر تمدن غرب بر مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی باعث پیدایش سؤالاتی میان جوامع اسلامی شده و پاسخ به این سؤالات جریان‌ها و اندیشه‌های جدیدی را در بین مسلمانان رواج داده است.^۱ با اطمینان می‌توان گفت که فعالیت‌ها و پژوهش‌های ادبی عالمان، مفسران و ادیبان مسلمان بر قرآن در سده‌های نخستین اسلام منجر به تحولات عظیمی در علوم زبانی و بلاغی اعراب شده است. در عصر حاضر در کشور مصر رویکردها و جریان‌هایی نواندیشانه برای مواجهه با متن قرآن شکل گرفت که یکی از مهم‌ترین آنها رویکرد ادبی یا همان رهیافت ادبی به قرآن است که توسط امین الخولی قرآن پژوه و نواندیش مصری پایه‌گذاری شد. وی رهیافت ادبی به قرآن را تنها رویکردی می‌دانست که می‌تواند اعجاز قرآن را توضیح دهد. بنابراین آن را به جامعه اسلامی معرفی کرد.^۲

محمد عبده (۱۸۴۸-۱۹۰۵) در کتاب رساله التوحید به بحثی کوتاه درباره مسئله اعجاز قرآن می‌پردازد. وی به فصاحت و بلاغت منحصر به فرد قرآن و عجز خطبا و شعرا در مقابل آن اشاره می‌کند. همچنین بحث بلاغت قرآن را یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌داند.^۳ عبده اذعان دارد که برای فهمیدن اهداف هدایتی خداوند باید متن قرآن را مطابق با فهم اولین مخاطبان وحی تفسیر کرد.^۴ طه حسین و امین الخولی برخی از یافته‌ها و دیدگاه‌های عبده را بسط بیشتری دادند. طه حسین در کتاب فی الشعر الجاهلی، بر اعجاز قرآن، یعنی جنبه منحصر به فرد زیبایی شناسانه اسلوب قرآن تأکید فراوانی می‌کند و متن قرآن را متنی ادبی و ویژه در نظر دارد. امین الخولی نیز یکی از مهم‌ترین شاگردان غیر مستقیم عبده است. وی رهیافت ادبی به قرآن را بهترین جایگزین رویکردهای کلامی، فلسفی، اخلاقی، عرفانی یا فقهی به قرآن می‌داند.^۵

۱. مکتب ادبی

امین الخولی (۱۸۹۵-۱۹۶۶) پایه‌گذار مکتب ادبی قبل از هدایت‌پذیری با قرآن هدفی مهم‌تر را به

۱. رک به: رتراود ویلانت؛ «جریان‌شناسی تفاسیر قرآن در دوره معاصر»؛ ترجمه مهرداد عباسی؛ آینه پژوهش؛ سال پانزدهم، شماره دوم (شماره پیاپی ۸۶)، خرداد و تیرماه ۱۳۸۳، ص ۱۳۰-۱۴۵.

۲. رک به: نصر حامد ابوزید؛ «رهیافت ادبی به قرآن؛ پیشینه، نتایج و دشواری‌ها»؛ ترجمه مهرداد عباسی؛ آینه پژوهش؛ شماره ۱۴۲، مهر و آبان ۱۳۹۲، ص ۱۷-۳۲.

۳. رک به: محمد عبده؛ رساله التوحید، دارالکتب العربی، ص ۷۶-۷۹؛ همچنین عبده در کتاب تفسیر القرآن الحکیم؛ جلد ۱، قاهره، ۱۳۷۳، ص ۱۹۰-۲۲۹ به بحثی طولانی‌تر در مسئله اعجاز قرآن پرداخته است.

۴. رک به: رتراود ویلانت، «جریان‌شناسی تفاسیر قرآن در دوره معاصر»؛ ترجمه مهرداد عباسی، ص ۱۳۰-۱۴۵. همچنین برای مطالعه بیشتر بنگرید به: نصرالله آقاجانی؛ «پیشگامان بیداری اسلامی در مصر»؛ مجله معرفت؛ شماره ۱۵۱، ص ۸۹-۱۱۰، ۱۳۸۹.

۵. رک به: نصر حامد ابوزید، «رهیافت ادبی به قرآن؛ پیشینه، نتایج و دشواری‌ها»؛ ترجمه مهرداد عباسی، ص ۱۷-۳۲. همچنین برای مطالعه بیشتر نظرات طه حسین بنگرید به: طه حسین؛ فی الشعر الجاهلی؛ نشر رؤیه، ۲۰۰۷، ص ۱۷-۳۵.

جامعه اسلامی معرفی می‌کند. به طوری که با توجه به آن باید قرآن را عظیم‌ترین کتاب عربی و برترین اثر ادبی زبان عربی دانست. خولی برای تفسیر قرآن پژوهش ادبی خالص و محض و بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی به همراه روش‌شناسی‌ای صحیح و جامع را توصیه می‌کند. به طوری که باید در کنار توجه نکردن به علوم تجربی و تفاسیر علمی از علوم جدید انسانی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بهره برد. همچنین هنگام پژوهش نباید فراموش کرد که نظم قرآن معجزه است و برای تبلیغ دین استفاده می‌شود و وسیله‌ای برای حیات جامعه بشری است، به طوری که فن بیانی قرآن بر همدنی اجتماعی بنا شده است.^۶

امین الخولی برای تفسیر ادبی قرآن دو مرحله را در نظر می‌گیرد. مرحله اول پژوهش حول متن قرآن و مرحله دیگر پژوهش در خود متن قرآن است. پژوهش حول متن قرآن دارای دو مرحله خاص و عام است. پژوهش خاص مربوط به علوم قرآن می‌شود، اما پژوهش عام شامل اموری همچون شناخت محیط اجتماعی‌ای است که قرآن در آن محیط نازل شده است. در روش ادبی پژوهش درون متن قرآن سه مرحله اصلی دارد. اولین مرحله مطالعه و بررسی مفردات قرآن است. این‌گونه می‌توان گفت که از نگاه خولی پژوهش ادبی قرآن بر فهم مفردات و ترکیب‌ها طبق فهم مخاطبان اولیه قرآن بنا شده است.^۷

مرحله دوم مطالعه و تحقیق درباره ساختار نحوی آیات قرآن است. البته در نگاه خولی صنعت نحو و ظرافت‌های آن مقصود اصلی از تفسیر قرآن نیست، بلکه صنعت نحویکی از ابزارهای بسیار مهم برای بیان معانی و تعیین دلالت‌های جمله است.^۸

مرحله سوم پژوهش بلاغی است، اما بلاغت مدنظر خولی برخلاف علوم بلاغی سنتی است و از جوانبی دیگر زبان عربی را بررسی می‌کند و بردوق و وجدان استوار می‌شود.^۹ همچنین پژوهش بلاغی در قرآن نوعی کاوش و مطالعه ادبی و هنری است که زیبایی‌شناختی بیانی اسلوب قرآن را نمایان می‌کند.^{۱۰}

۶. رک به: مرتضی کریمی نیا؛ «امین خولی و بنیادگذاری مکتب ادبی در تفسیر»؛ برهان و عرفان؛ شماره ششم، زمستان ۱۳۸۴، ص ۹۵-۱۱۰.

۷. رک به: شکری محمد عیاد؛ «امین الخولی»؛ المجله، ۱۹۶۶، ص ۶۷-۷۴.

۸. رک به: مرتضی کریمی نیا، «خولی»، دانشنامه جهان اسلام، قابل دسترسی در آدرس:

<https://rch.ac.ir/article/Details?id=8908>

همچنین برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مرتضی کریمی نیا؛ «مکتب ادبی در تفسیر دیدگاه‌های قرآنی امین خولی»؛ خردنامه همشهری؛ شماره ۲۲، ۱۳۸۶، ص ۱۰-۱۱.

۹. همان.

۱۰. رک به: شکری محمد عیاد، امین الخولی، ص ۶۷-۷۴.

۱۱. رک به: مرتضی کریمی نیا، «خولی»، دانشنامه جهان اسلام؛ همچنین برای مطالعه بیشتر نظرات و بررسی‌های خولی درباره علوم بلاغی و اعجاز بلاغی از گذشته تا امروز بنگرید به: امین الخولی، مناهج التجدی فی النحو والبلاغة و التفسیر و الادب، بخش البلاغة، ص ۲۵۴-۲۷۱.

از سوی دیگر مکتب ادبی قرآن بر اساس تفسیر موضوعی بنا شده است و تفسیر ترتیبی در آن جایی ندارد. خولی بر این باور است: «فصواب الراء فی ما یبدو. أن یفسر القرآن موضوعاً موضوعاً، لا أن یفسر علی ترتیبه فی المصحف الکریم سورا او قطعاً».^{۱۲}

باید اشاره کرد که امین الخولی همراه شاگردانش از جمله عایشه عبدالرحمن، خلف الله و شکری محمد عیاد در علم تفسیر قرآن روش جدیدی را پایه گذاری کردند که در این روش عقل بر نقل، واقعیت بر نص و امور زمانمند بر امور روحی و معنوی ارجحیت دارد.^{۱۳}

۲. شکری محمد عیاد

عبدالفتاح شکری محمد عیاد (۱۹۲۱-۱۹۹۹) در روستای شنوان استان منوفیه مصر دیده به جهان گشود. پدرش مدرس زبان عرب بود. پس از وفات پدر برای خواندن زبان عرب در دانشگاه فؤاد اول به قاهره آمد. عیاد در سال ۱۹۴۰ در گروهی که اعضای آن السید محمود الشنیطی، عبدالحمید یونس، محمود عبدالمنعم مراد و محمود سامی احمد بودند به تحصیل و پژوهش پرداخت. این گروه تعداد زیادی از اعضای جامعه فرهنگی مصر را تربیت کرده است. علاقه بسیار او باعث شد تا چهار سال به مطالعه و پژوهش در اشعار جاهلی بپردازد. عیاد اصول و فروع دین را از اساتید طراز اول مصر مانند طه حسین، احمد امین، احمد الشایب و عبدالوهاب عزام و امین الخولی آموخت. وی در سال ۱۹۴۸ با دفاع از رساله من وصف القرآن لیوم الدین و الحساب مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۹۵۳ با ارائه رساله تحقیق ترجمه حنین بن اسحق لکتاب ارسطو فی فن الشعر مدرک دکتری خود را گرفت.

تدریس در رشته زبان عرب دانشکده ادبیات فؤاد اول و مشاور فرهنگی مصر در سفارت ریودوژانیرو از جمله فعالیت‌هایی اند که عیاد به آنها پرداخته است. وی برای اقدامات و نگارش‌های علمی اش چندین جایزه از جمله جایزه کویت و جایزه ملک فیصل را در سال ۱۹۹۱ دریافت کرد. وی را باید یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های منتقد و قابل احترام در جهان عرب به شمار آورد. عیاد به زبان انگلیسی مسلط بود و با زبان‌های فرانسه و یونانی قدیم آشنایی داشت، به طوری که کتاب فن شعر ارسطو را از زبان یونانی به عربی برگرداند. در نهایت شکری عیاد در ۱۹۹۹ در سن ۷۸ سالگی دیده از جهان فرو بست.

شکری عیاد تعدادی پژوهش انتقادی را به جامعه فرهنگی عرضه کرده است. از جمله: البطل فی الادب و الاساطیر (۱۹۵۹)؛ طاغور شاعر الحب و السلام (۱۹۶۱)؛ موسیقی الشعر العربی (۱۹۶۸)؛

۱۲. رک به: عبدالجبار رفاعی؛ «شیخ امین الخولی رائد الدرس الهمینوطیقی بالعربیة»؛ الحیاة الطیبة؛ شماره ۳۷، ۲۰۱۷، ص ۲۱۱-۲۳۴.

۱۳. رک به: مرتضی کریمی نیا، «خولی»، دانشنامه جهان اسلام. همچنین برای اطلاع بیشتر از زندگی و آثار و افکار امین الخولی بنگرید به: درس گفتار ویدئویی مهرداد عباسی در تارنمای کافه سرو با عنوان: «اسلام شناسی در عصر مدرن، قسمت سوم (امین الخولی)». قابل دسترسی در:

تجارب فی الادب و النقد (۱۹۶۷). همچنین به ترجمه برخی از کتب نیز پرداخته است از جمله: اعتراف منتصف اللیل نوشته ژرژ دوامل؛ البیت و العالم (۱۹۶۱) نوشته رابیندرانات تاگور؛ نصوص مختارة و نحو تعریف الثقافة نوشته تولستوی؛ الکاتب و عالمه (۱۹۹۴) نوشته چارلز مورگان. علاوه بر این موضوعات، شکری عیاد در زمینه ادبیات و مسائل اجتماعی روز نیز تألیفاتی دارد. برای مثال در زمینه ادبیات می توان به آثاری مانند: میلاد جدید (۱۹۵۸)، رباعیات (۱۹۸۴)، کھف الاخیار (۱۹۸۵) و در زمینه موضوعات اجتماعی به کتاب نحن و الغرب (۱۹۹۰) اشاره کرد. وی علاوه بر نگارش کتاب، مقاله ها و پژوهش های بی شماری را نیز در عرصه نقد و ادبیات و مسائل دینی و اجتماعی به جامعه علمی ارائه کرده است. می توان از مقالات «عن النقد التفسیری»، «قراءة اسلوبیة لشعر حافظ» و «امین الخولی» نام برد.^{۱۴}

۳. کتاب من وصف القرآن لیوم الدین و الحساب

کتاب من وصف القرآن لیوم الدین و الحساب رساله کارشناسی ارشد شکری محمد عیاد با راهنمایی استادش امین الخولی است. این کتاب با روش ادبی آیات و اوصاف مربوط به روز قیامت را بررسی می کند. عیاد زمان انتشار در مقدمه این اثر به دلایل بی میلی و کراهت خود از چاپ این کتاب اشاره می کند. همچنین می کوشد تا نظر خوانندگان را به دشواری های دانشگاهی جلب کند. این مشکلات بر اثر بردفهمی های عمومی و عکس العمل های تنگ نظرانه و تند در دهه ۱۹۴۰ میلادی در برابر هیافت ادبی شکل گرفته بود. وی معتقد است که عده کمی از خوانندگان در مطالعات قرآنی توانایی آن را دارند که در کنار استفاده از زبان شناسی و نقد ادبی، علم جامعه شناسی و روان شناسی را تحمل کنند. بنابراین با توجه به این دشواری ها و مشکلات فراوانی که برای پیروان این مکتب مخصوصاً محمد احمد خلف الله به وجود آمد، عیاد سال های زیادی دست به انتشار پایان نامه خود نزد، اما بعد از گذشت حدوداً سی سال با تشویق همکاران و دوستان خود احساس کرد که اکنون شرایط برای انتشار آن میسر شده و جامعه علمی و دانشگاهی می تواند مطالب این کتاب را بپذیرد. همچنین در مقدمه این کتاب به این نکته اشاره می کند که زمان انتشار این اثر مطالبی را به نوشته های خود اضافه نکرده و مطالب همانی است که سی سال پیش در زمان ارائه به دانشگاه نوشته است. نکته قابل توجه که باید به آن اشاره کرد، مشکلات وی پس از اتمام پایان نامه اش است؛ چنان که طبق حکم دانشگاه که بر اثر کشمکش و جدال بر سر پایان نامه محمد احمد خلف الله به وجود آمده بود، باید برای ادامه در رشته مطالعات قرآنی استاد دیگری غیر از امین الخولی را انتخاب می کرد، اما عیاد نیز همانند بسیاری از شاگردان خولی به علت وابستگی زیاد به استادش تصمیم گرفت که زیر نظر امین الخولی در رشته ای غیر از مطالعات قرآنی ادامه تحصیل دهد.^{۱۵}

۱۴. رک به: لمعی المطعی؛ موسوعة نساء و رجال من مصر؛ دار الشروق؛ چاپ اول، سال ۲۰۰۳، ص ۴۲۷ - ۴۳۵.

۱۵. رک به: نصر حامد ابوزید، «رہیافت ادبی به قرآن: پیشینه، نتایج و دشواری ها»، ترجمه مهرداد عباسی، ص ۲۷.

کتاب من وصف القرآن لیوم الدین والحساب شامل بخش مقدمه و سه فصل «مفردات»، «اسلوب» و «مرامی» (اهداف) است. عیاد در بخش مقدمه ابتدا اصول و مبانی کلی مکتب ادبی را بیان می‌کند. سپس به بررسی رابطه روش ادبی با تفسیر نقلی و عقلی و روش تاریخی خاورشناسان می‌پردازد. وی در فصل مفردات آیات را در قالب موضوعاتی همچون اسامی روز قیامت، دمیدن در صور، وصف خرابی دنیا به منظور خبردادن از روز قیامت، وصف احوال مردم هنگام برخاستن از قبرها، وصف حساب و جزا در روز قیامت دسته‌بندی کرده است. سپس به بررسی لغوی و مطالعه قرآنی کلماتی می‌پردازد که در بیان معانی و تفسیر آنها نظرات مختلفی مطرح شده است. شکرى عیاد در فصل «اسلوب» روش‌های «بیان وجوه گوناگون یک پدیده» (التوجیه)، «تصویرپردازی» (التصویر)، «به‌کارگیری گفتگو» (استخدام الحوار فی الوصف) و «روش‌های انتزاعی‌سازی» (اسالیب التخییل) را در قرآن مطالعه می‌کند. وی معتقد است که قرآن کریم برای بیان معانی اوصاف روز قیامت از این اسلوب‌ها استفاده کرده است. همچنین عیاد در فصل «اهداف» (مرامی)، اهداف انسانی و اجتماعی قرآن کریم را در بخش‌هایی همچون «نزدیک بودن زمان قیامت» (اقترب الساعة)، «نشانه‌های قیامت» (أشراط الساعة)، «تمام و کمال دادن جزا» (توفیة الجزاء)، «معانی اجتماعی مربوط به وصف روز قیامت» (المعانی الاجتماعیة فی وصف یوم الدین والحساب) و «نفس و حساسی» (النفس والحساب) بررسی می‌کند.

۴. رویکرد کلی شکرى عیاد به تفسیر قرآن

عیاد معتقد است الفاظ قرآن دارای حیات و تاریخ‌اند و معانی آنها با توسعه حیات انسانی گسترش پیدا کرده است. بنابراین همه صیغه‌های کلمات قرآن به اصل اولیه‌ای برمی‌گردند. وی معانی ادبی را شامل همه معانی حکمی، فلسفی و علمی و نتیجه‌ای برای واکنش نفس انسانی می‌داند، چنان‌که روش‌های بیان معانی، انواع احساسات و درون هنرمند را شامل می‌شوند. بنابراین زمانی که ابزار هنرمند الفاظ باشد، زبان ادبی قوی‌ترین و نافذترین و اثربخش‌ترین ابزار بیان درون انسان است. از سوی دیگر، ادیب برای بیان معنای الفاظ به ارتباطات درونی در ذهن شنونده توجه می‌کند و تنها برای وی برانگیختگی صور حسی مهم نیست.^{۱۶}

عیاد دین و هنر را بیانی برای جنبه‌های درونی نفس انسان می‌داند. البته از نظری دین با وجود ارتباط محکمی که با هنر دارد به وسیله اشتراکاتی بین ادیان گوناگون از جمله ایمان به نیرویی برتر و زندگی اخروی از هنر جدا می‌شود. همچنین او پژوهش‌های روان‌شناختی را جزء مهمی از پژوهش‌های دینی می‌داند و پس از مقایسه عمل هنری و تفسیر هنری به این نتیجه می‌رسد که در مکتب ادبی فهم کل اثر هنری مطابق با روش روان‌شناختی اهمیت دارد. بنابراین می‌توان گفت تفسیر قرآن از نگاه عیاد، تفسیر ادبی-هنری است و پیوند میان دین و هنر را ناگسستنی می‌داند. در این مسیر مؤلفه‌های تفسیر هنری

بیشتر از فکر و وجدان و درون استوار است. در تعریف عیاد از هنر، اهل هنر برای فهم بهتر ارزش تفسیر هنری معیارها و ادواتی مانند کلمه و تشبیه و استعاره را وضع می‌کنند تا به قصه و قصیده برسند. همچنین یکپارچگی هنری را به سمت وحدت تجربه درونی هدایت کرده‌اند. عیاد عمل هنری را تفسیر جنبه‌ای از جوانب حیات معرفی می‌کند. بنابراین رویکرد پژوهش‌های اهل هنر فهم حقیقت عمل ادبی است که برای ارزیابی شکل‌های هنری و اسلوب‌های بیانی بر آن فهم تکیه می‌کنند.^{۱۷}

به عقیده عیاد عمل هنری در الفاظ عملی شایسته است. به طوری که این نوع عمل در الفاظ به هر ابتکار یا اختراعی در انواع مختلف فعالیت‌های فکری شبیه‌تراست. بنابراین این عمل بر ترکیب بین دو مضمون یا استخراج مضمونی جدید از ترکیب آن دو استوار است که این عمل را گاهی استعاره و گاهی تشبیه می‌نامند. نگاه عیاد به عمل هنری عام در الفاظ این‌گونه است که عمل خاص دیگری به وسیله هنر و وصف به آن اضافه می‌شود که این عمل خاص انتخاب جزئیات دلالت‌کننده در شیء موصوف و ترکیب بین آنهاست. ترکیبی که معنای معینی را بیان می‌کند و آن را تصویر می‌نامند.^{۱۸}

مسئله مهمی که عیاد به آن پرداخته مربوط به امور غیبی است؛ زیرا تفاوت گذاشتن بین حقیقت و مجاز در این امور مشکل است. در این راستا عیاد به سخن محمد عبده استناد می‌کند، چنان‌که عبده برای بیان تفاوت میان حقیقت و تمثیل در کتاب تفسیر عم جزء می‌گوید:

روش نسبت دادن هر سخن یا عملی به چیزی که در عرف مردم منشأ و سرچشمه‌ای برای چیزهای دیگر نیست به روش تمثیل است، مگر اینکه سببی وجود داشته باشد که نسبت دادن را در عرف خطاب جایز کند.

بنابراین در تفسیر ادبی باید بین استعمال حقیقی و استعمال مجازی در آیات قرآن کریم تفاوت قائل شد. این تفاوت را باید بر اساس استعمال لفظ در قرآن و بررسی معانی به‌کاررفته به همراه استفاده از سیاق لغوی کلمه و سیاق ادبی آن در نظر گرفت، نه بر اساس تصوراتی که از حقیقت شرایط و احوال در روز قیامت وجود دارد.

با توجه به دیدگاه شکری عیاد کارهای دنیوی که به آتش نسبت می‌دهیم، نوعی تصویرپردازی بر پایه خیال و تفکرات درونی است و این روش در نفس انسان قوی‌تر و نافذتر از روش‌های دیگر است. بنابراین هنگامی که بزرگی آتش مطرح می‌شود، باید آن را حقیقت در نظر گرفت، اما روش ادبی این حالات درونی و تأثیرپذیری انسان را در جایگاهی غیر از معانی واقعی‌اش استفاده می‌کند، چنان‌که آتش را در خیال به حدی بزرگ جلوه می‌دهد که باعث به وجود آمدن ترس از اسم جهنم و آتش در ذهن‌ها

۱۷. همان، ص ۹۹-۱۰۰.

۱۸. همان، بخش خلاصه، ص ۱۱۹-۱۲۰.

می شود. پس در این حالت مجاز است.^{۱۹}

شکرى عیاد در بخش مقدمه کتاب رویکرد مفسر ادبی را به انواع مختلف روش های تفسیری تبیین می کند، به طوری که معتقد است برای بررسی کامل تفسیر نقلی باید با نگاهی منتقدانه به مطالعه سندها و عوامل مؤثر در آن پرداخت. از جهت دیگر در تفسیر ادبی به علت شک در صحت برخی از روایات، همه آنها را نمی توان به طور کامل بررسی کرد. همچنین تفاوت بین کار مفسران اولیه قرآن با تفسیر لفظی لغویان منجر شده است که بررسی دقیق تفاسیر موجود درباره معانی مفردات، معنای لفظ واضح و معینی را ارائه ندهد.

عیاد اذعان دارد که صحابه در تفاسیرشان به اصول مورد استفاده لغویان توجهی ندارند. برای نمونه صحابه گاهی کنایه را به مکنی عنه تفسیر می کردند. برای مثال واژه «غاشیة» را به معنای قیامت یا الساعة بیان کرده اند یا تفسیر کلمه را با توجه به بخشی از معنایش آورده اند، چنان که العین (پشم یا پشم رنگ شده) را همان معنای الصوف (پشم گوسفند) می گرفتند. همچنین گاهی مجاز را به جای مجاز فیه در نظر گرفته اند. برای مثال سُرَادِق (چادر) را به دُخَان (دود) معنا کرده اند تا حدی که بر اثر تسامح این معانی جزئی یا مجمل یا مجازی بیان شده توسط صحابه را بدون تحقیق و بررسی، جزء اصل معنای لغوی کلمات به حساب آورده اند.

عیاد در بررسی برخی از واژگان مانند «سرادق» در آیه ۲۹ سوره کهف به این نتیجه می رسد که «سرادق» در قرآن مجمل تفسیر شده است و لغویان این تفسیر مجمل را دریافت کرده اند. بنابراین از نگاه عیاد یک مفسر ادبی باید تفاسیر مجملی را در نظر بگیرد که لغویان برای آنها شواهدی از کلام عرب آورده اند. وی باید با وجود مجاز و تسامح در این تفاسیر به دنبال معنای اصلی کلمه هنگام نزول قرآن باشد و به وسیله استفاده از روش منظم خود در بحث لغوی، این معانی را جستجو کند، سپس معنای استعمالی آن را در قرآن بیابد. با توجه به اینکه امکان دارد این استعمال حقیقی یا مجازی باشد، پس مفسر ادبی باید بداند که در این فضای پیچیده و مبهم، صورت های بیانی دقیق ترسیم شده توسط قرآن از بین نمی رود.

عیاد با توجه به روایاتی از کتاب ابن جریر طبری به این نتیجه می رسد که تعداد زیادی از تفاسیر مأثور موجود در آن درباره وصف قیامت، بهشت و جهنم است. بنابراین این روایات صحیح باشند یا غلط، کمکی به تفسیر آیات نمی کنند، بلکه اتصال تفاسیر به داستان ها مخصوصاً در مسائل مربوط به امور غیبی را نشان می دهند. وی این روایات را شامل خیالاتی می داند که حد و مرزی ندارند و نمی توان بین آنها و آیات قرآن تناسب برقرار کرد، بلکه خیال به اشتباه مجازهای قرآن را حقیقی می فهمد و

زمانی که وصف حقیقی غیرمجاز در آیات قرآن به کار برده می‌شود، این خیال‌ها انواعی از مجاز را به وجود می‌آورند. همچنین این روایات به پیامبر و صحابه منسوب شده‌اند. البته در ادوار مختلف با اضافه شدن مطالب دور از ذهن، این روایات گسترش پیدا کرده‌اند. با این حال عیاد معتقد است که می‌توان با مقایسه کردن بین صور قرآن و تصاویری که به وسیله انواع قصه‌های قومی و ملی ارائه می‌شوند، نتایج ارزشمندی را در فهم روش‌های ترساندن و تشویق قرآن به دست آورد.^{۲۰}

شکری عیاد در مراحل مختلف تفسیر اوصاف قیامت می‌کوشد از تفسیر عقلی دوری گزیند. عیاد تفسیر عقلی را وسیع‌تر از «تفسیر برابر با عقل» (التفسیر طبقاً للعقل) می‌داند، به طوری که تفسیر عقلی دربرگیرنده تفسیر نقلی است. هر چند اذعان دارد اگر هدف تفسیر عقلی دور کردن تشبیه و ظلم از خداوند باشد، می‌تواند تلاش آنها آثار خوب و عظیمی را بر فهم ادبی قرآن برجای گذارد. مخصوصاً زمخشری که در تفاسیرش هم توجه دقیق درونی را گسترش داده و هم به اسلوب‌های تمثیلی و استفاده‌های زیاد آن در قرآن توجه کرده و هم این اسلوب‌ها را در تفاسیرش به کار برده است. برای مثال زمخشری در تفسیر آیه ۶۷ سوره زمر معتقد است که هدف این آیه بیان عظمت خداوند و بزرگی جلال اوست و خداوند به صورت حقیقی و مجازی قصد بیان حرکت به وسیله گرفتن چیزی (قبضه) و دست (یمین) را ندارد. عیاد در تبیین این آیه به این نکته اشاره می‌کند که در علم بیان بایی دقیق‌تر، ظریف‌تر و لطیف‌تر از باب تخیل وجود ندارد و آن را بهترین راه رسیدن به تأویل متشابهات قرآن و سایر کتب آسمانی و سخن انبیا می‌داند. البته به دلیل کم‌توجهی در پژوهش و جستجو، اقدامات گذشتگان در این خیال‌پردازی‌ها دچار خطا و انحراف شده است.

با این حال از دیدگاه عیاد، بین مفسر ادبی و مفسر عقلی تفاوت بزرگی وجود دارد، به طوری که مفسر عقلی قرآن را مرجع اول عقاید می‌داند و آیات را به نوعی تأویل می‌کند که با مذهب و فکرت فلسفی‌اش همراه باشد، اما در نگاه مفسر ادبی، قرآن کتاب عربی اکبر است و امتش را با بلاغتش مسحور کرده و آنها را به تصور جدیدی از حیات کشانده است.^{۲۱}

تفسیر روان‌شناختی نوعی دیگر از تفسیر است که عیاد آن را بر اساس بعد روان‌شناسی در همه مراحل تفسیری خود در نظر دارد. وی همواره تأکید می‌کند که مفسر ادبی زمان مفردشناسی یا ترکیب‌شناسی یا معناکردن به مهارت‌های روان‌شناسی نیاز دارد تا بتواند ارتباط لفظ مفرد یا ترکیب یا معانی عام را با نفس انسان مشخص کند. عیاد اساس روش ادبی را بر پایه تفسیر روان‌شناختی قرار می‌دهد؛ زیرا معتقد است که باید در مطالعات ادبی پژوهش و مطالعه معانی بر پایه فهم مؤلف باشد تا پژوهش‌های ادبی دچار خسران نشود و به بیراهه نرود. بنابراین تفاسیر و نظرات سابق درباره بعث و وحی را رد کرده و

۲۰. همان، بخش مقدمه، ص ۱۱-۱۵.

۲۱. همان، ص ۱۵-۱۹.

از این تفاسیر در مسیر پژوهش خود پرهیز می‌کند. همچنین معتقد است که با اجتناب از تفاسیر سابق باید در این زمینه منهج علمی را نیز تصحیح کرد.^{۲۲}

عیاد برای فهم ادبی صحیح از قرآن به پژوهش‌های تاریخی خاورشناسان نیز توجه می‌کند. وی طبق استناد به کتاب التفسیر امین الخولی معتقد است که پژوهش‌های خاورشناسان انواعی از توجهات علمی را به تاریخ قرآن اضافه کرده است. به طوری که آنها معانی قرآن را همراه با بررسی تاریخی قرآن مانند مطالعه و تدوین و کلمات مُعرب به دست می‌آورند و این مسائل را مطابق با فکر و اندیشه خویش در نظر می‌گیرند. عیاد معتقد است که وجود اختلاف بین مفسر ادبی و خاورشناسان مربوط به اعتقاد مفسر ادبی به قدسی بودن قرآن و همچنین عدم اعتقاد خاورشناسان به آن نمی‌شود، بلکه اختلافات را بر اساس این می‌داند که قرآن کتاب ادبی جاودان عربی است. البته عیاد نگاه خاورشناسان را در این زمینه مجمل و سطحی یافته و معتقد است که مفسر ادبی از مباحث تاریخی در قرآن کمک می‌گیرد تا بهتر بتواند محیط فکری، مادی و لغوی قرآن را با استفاده از وسیع‌ترین معانی بفهمد. البته باید در این مسیر، پیشرفت و توسعه اسلوب پیشرفت و پیوستگی محیط را هم در نظر بگیرد.^{۲۳}

در نهایت می‌توان گفت هر چند نگاه عیاد، نگاهی انتقادی به تفاسیر قدما و مفسران نقلی و عقلی و روش تاریخی خاورشناسان است، اما همواره در مراحل مختلف تفسیر به نظرات آنها توجه می‌کند. به طوری که گاهی نظری را مبنایی برای تفسیر خود قرار می‌دهد. البته باید اشاره کرد که در نقل احادیث و روایات پیامبر از صحابه یا تابعین توجهی به ذکر سند روایات نمی‌کند و توجهی به مباحث سیاسی اجتماعی عصر خود و برداشت‌های علمی جدید ندارد.

۵. روش شکری عیاد در کتاب

عیاد در مراحل مختلف تفسیر آیات همواره بر اصول و مبانی مکتب ادبی پایبند است. به طور کلی وی دیدگاه و نظریه‌های موافق با اصول و مبانی روش ادبی را پذیرفته است، خواه رأی لغوی یا متعلق به قدما باشد یا نظریه و دیدگاهی متعلق به خاورشناسان.

وی به بررسی دیدگاه و نظرات مفسرانی همچون زمخشری، طبری، عبده و امین الخولی پرداخته و نگاهی نیز به دیدگاه‌های خاورشناسانی همچون فردریک مایر، نولدکه، گلدتسیهر، هوروویتس و بروکلیمان می‌اندازد. برای نمونه در بحث کلمه‌های «سَجِّین» و «عَلِّین» در قرآن با استناد به نظریه‌های متعدد و گوناگون از افرادی مانند فرانکل و نولدکه به این نتیجه می‌رسد که خاورشناسان در تفسیر این دو کلمه دچار شک و دودلی شده‌اند و عیاد روش آنها را علمی نمی‌داند.^{۲۴}

۲۲. همان، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۲۳. همان، ص ۱۹-۲۱.

۲۴. همان، ص ۶۴-۶۵.

عیاد طبق دیدگاه استادش خولی روش کلی تفسیر ادبی قرآن را بر پایه پژوهش درون قرآن و پژوهش حول قرآن قرار می‌دهد. عیاد در پژوهش درون قرآن به واژه‌شناسی اوصاف قیامت می‌پردازد و معمولاً بحث را با پژوهشی لغوی و معنایی آغاز می‌کند. سپس به سراغ معنای آن کلمه و مشتقاتش در قرآن کریم می‌رود و به معانی حسی و معنوی واژگان توجه می‌کند. برای عیاد فهم عرب زمان نزول و سیاق آیات اهمیت زیادی دارد. وی طبق مبانی مکتب ادبی به جایگاه کلمات در ترکیب‌ها نیز توجه می‌کند. بنابراین عیاد با نگاه ادبی به علوم بلاغی و صرف و نحو نیز می‌پردازد. برای نمونه در بحث لغوی کلماتی مانند «الواقعة»، «الحاققة»، «القارعة» و «الصاخة» آنها را کنایه و اوصافی معرفی می‌کند که با «ال» معرفه شده‌اند و تنها در وصف قیامت معنای آنها به بهترین شکل بیان می‌شود.^{۲۵} عیاد در فصل مفردات، آیات را بر اساس موضوعات مختلف تقسیم‌بندی می‌کند و برای بیان دقیق‌تر معانی از اشعار جاهلی و اسلامی و روایات نقل شده نیز بهره می‌برد. برای نمونه وی به اشعاری از لیبید بن ربیع، عدی بن رفاع، نابتة جعدی و ذوالرمة استناد می‌کند. همچنین احادیث و روایاتی را از پیامبر اکرم (ص) و افرادی مانند ابن عباس، حکیم بن حزام، ابوالهیثم مالک بن تیهان، حسن بصری و وهب بن منبه نقل کرده است.

روش عیاد در بررسی لغوی کلمات توجه به اصل ریشه واژگان است، چنان‌که در بیشتر بررسی‌های لغوی کلمات، معانی مختلف حسی و معنوی کلمات را به همراه مثال‌های کاربردی در زبان عرب بررسی کرده و در برخی مواضع ریشه‌های کلمات را در زبان‌های مختلف با استناد به کتب لغوی اسلامی و غربی بیان می‌کند. برای نمونه در بررسی لغوی واژه «القیامة»، لسان العرب ماده «قام» را عربی‌شده کلمه «قیمتتا» در سریانی می‌داند و برای بررسی بیشتر این نظر به کتاب «واژه‌های آرامی در زبان عربی» نوشته زیگموند فرانکل مراجعه کرده است و ریشه این کلمه را در بین کلمات آرامی معرب نمی‌یابد.^{۲۶}

عیاد در کنار مطالعه و بررسی نظرات سایر علما و مفسران و خاورشناسان نگاهی خاص به عبارات عهدین نیز دارد. برای مثال در بررسی لغوی کلماتی مانند «أجوج و مأجوج» برای فهمی بهتر به سراغ عهد قدیم و جدید مانند سفر حزقیال می‌رود. سپس در کنار بررسی عهدین و بیان نظرات مختلف، از دیدگاه کسانی همچون یوسیفوس^{۲۷} و هستینگز از کتاب «فرهنگ کتاب مقدس»^{۲۸} نیز بهره برده است.^{۲۹}

۲۵. همان، ص ۴۱.

۲۶. رک به: شکری محمد عیاد، فصل مفردات، ص ۲۷-۲۸.

۲۷. یوسف فلاویوس یا یوسیفوس مورخ یهودی متولد ۳۰۷ میلادی. رک به: حسن پیرنیا؛ تاریخ ایران باستان؛ جلد ۱، انتشارات نگاه، مشیرالدوله، ۱۳۹۸، ص ۷۵.

۲۸. جیمز هستینگز (۱۸۵۲-۱۹۲۲ م)، محقق و دین‌پژوه اسکاتلندی. رک به: لیلا هوشنگی، هدی اوغازی مقد؛ «دائرة المعارف‌های ادیان»؛ مجله کتاب ماه دین؛ شماره ۱۷۳، اسفند ۱۳۹۰، ص ۸۵-۹۲.

۲۹. رک به: شکری محمد عیاد، فصل مفردات، ص ۵۰-۵۲.

در فصل «اسلوب» روش عیاد از این قرار است که وی یکی از اسلوب‌های قرآن در وصف روز دین و حساب را عامل «بیان وجوه گوناگون پدیده» (التوجیه) می‌داند. عیاد می‌کوشد تا آشفتگی، تغییر و دگرگونی شدید و سخت روز قیامت را که خداوند به وسیله این روش نشان می‌دهد، با ذکر نمونه‌هایی از آیات تبیین کند، به طوری که این اوصاف با وجوه مختلف آن مانند دمیدن در صور، زجر، عذاب، مرگ ناگهانی، صیحه، به حرکت درآمدن زمین و شکافتن آسمان بیان شده‌اند. وی پس از بررسی آیات به این نتیجه می‌رسد اگر اوصاف قیامت به صورت کلی بیان می‌شد و این وصف جزء جزء (التجزئة) در روش قرآن وجود نداشت، هرگز تأثیرگذاری عمیق آیات حاصل نمی‌شد. بنابراین با توجه به این ایده، عیاد عامل «بیان وجوه گوناگون پدیده» را در قرآن کریم، فکر و ایده دگرگون شدن ناگهانی سختی بیان می‌کند که همه عالم دنیا را در برمی‌گیرد.^{۳۰}

عیاد در بحث از اسلوب «تصویر» این سؤال را مطرح می‌کند که آیا شاعر یا نویسنده در تصویرپردازی یک پدیده مثل شب باید بارزترین و آشکارترین اوصاف آن پدیده را وصف کند؟ پاسخ او این است که ادیب و شاعر باید پدیده را طوری وصف کنند که گویی مخاطب آن را با دو چشم آنها می‌بیند. ادیب آزاد است که هر طور که می‌خواهد این وصف را انجام دهد، به شرطی که معنای جدیدی را منتقل کند و این معانی در زمان‌ها و سرزمین‌های مختلف تغییر می‌کنند و می‌توانند همواره جدید باشند. به گفته او گاه برای وصف شب، پارس کردن سگ در سکوت عمیق شب شاید بلیغ‌تر و فصیح‌تر از وصف کردن شب به وسیله ستارگان باشد. بنابراین خداوند برای به تصویر کشاندن وقایع قیامت و تأثیر بیشتر از روشی استفاده کرده و چیزهایی را به تصویر کشانده است که برای انسان بسیار اهمیت دارد. عیاد آیاتی مانند آیه ۱۴ سوره مزل را بررسی می‌کند تا به این نوع تصویرپردازی در قرآن دست یابد. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که وصف «مقدمات بلا» در قرآن بسیار تأثیرگذارتر از بیان خود بلاست.^{۳۱}

از نگاه عیاد، اسلوب «التخیل» روش دیگری است که قرآن برای وصف ادبی اوصاف قیامت از آن بهره برده است. با توجه به این روش قرآن، ذهن شنونده نباید دلالت معانی را به وسیله تخیل بر اساس بیان وصفی حسی یا معنوی در نظر بگیرد، بلکه سبکی است که تخیل را به عنوان موصوف تحقق یافته به تصویر می‌کشاند. همچنین سبکی است که در آن شیء جامد به عنوان متحرک زنده مطرح می‌شود. بنابراین عیاد برای نشان دادن این اسلوب قرآن به بررسی آیاتی مانند انشقاق: ۱- ۵ می‌پردازد که خداوند به چیزی بی‌جان جان بخشیده است.^{۳۲}

عیاد در فصل «مرامی» برای بررسی «اقتراب الساعة» روش تفسیری خود را بر مبنای علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار می‌دهد و معتقد است که این مسئله یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تأثیرات

۳۰. همان، فصل اسلوب، ص ۸۵-۸۷.

۳۱. همان، ص ۸۷-۹۳.

۳۲. همان، ص ۹۵-۹۶.

عمیقی و وجدان و روان افراد دارد؛ چراکه طبق آیات، علم زمان وقوع قیامت نزد خداوند است. بنابراین ابتدا این تأثیر را بر روان و درون پیامبر بررسی می‌کند. برای این منظور به نظرات خاورشناسانی مانند یوزف هوروویتس (۱۸۷۴-۱۹۳۱) مستشرق آلمانی^{۳۳} توجه کرده است. سپس نگاهی به اعتقاد ادیان قبل از اسلام می‌اندازد. در نهایت با بررسی آیات متعدد مانند آیات یونس: ۴۸-۵۱ نتیجه می‌گیرد که خداوند در این مسیر از اعجاز روحی استفاده کرده و ابزار مهم قرآن در رویارویی با تحدی کفار و پاسخ به نزدیک بودن قیامت به کارگیری حس «ترس از مجهول» است که در وجود همه انسان‌ها وجود دارد.^{۳۴}

بحث مهم دیگری که عیاد به آن توجه کرده است، تأثیر نشانه‌های وقوع قیامت بر افراد و جامعه بشری است و روشی را در پیش می‌گیرد تا با بررسی کلماتی مانند «نَسَف» (پراکنده کردن)، «انفطار» (شکافته شدن) و «نَسِیر» (حرکت دادن) و بیان اوصاف آسمان، ستارگان و دریا در روز قیامت و همچنین نشانه‌های قیامت به مقاصد دور و عمیق از این اوصاف برسد. بنابراین عیاد آیاتی را بیان می‌کند که افکار را به نظم و ترتیب در عالم هستی و سپس پایان دنیا و زندگی جاودان جلب کند تا دل‌ها از تصور برهم خوردن آرامش هستی و زیوروشدن آن دچار ترس و نگرانی شوند و آن را هشدار برای مراقبت از اعمال خود بدانند.

در انتها باید گفت که رویکرد شکر عیاد به تفسیر عقلی و نقلی رویکردی انتقادی است. هر چند موضع‌گیری‌های وی به نظرات مفسرانی همچون زمخشری و طبری متفاوت است. از سوی دیگر، نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر و بعضاً انتقادی نسبت به نگاه تاریخی خاورشناسان دارد. همچنین عیاد معانی و مفاهیم را نه به طریق نگاهی سنتی، بلکه به گونه‌ای برداشت می‌کند که ابعاد متفاوتی از معانی آیات نمایان شود. می‌توان این رویکرد عیاد را از نگاه انتقادی وی به روش قدما و بسیاری دیگر از مفسران امروزی مانند سید قطب فهمید. سرانجام باید گفت که وی صرفاً نگاهی حسی به معانی ندارد، بلکه تأثیرات درونی و وجدانی در روش عیاد دارای اهمیت است، چنان‌که منتقد روش حس‌گرایان و نگاه آنها به علوم بلاغی در تفسیر آیات است.^{۳۵}

۳۳. کتاب مطالعات قرآنی (Koranische Untersuchungen) به قلم هوروویتس است.

۳۴. رک به: شکر عیاد، فصل اهداف، ص ۱۰۱-۱۰۴.

۳۵. برای اطلاع بیشتر درباره شکر عیاد و روش تفسیری او مراجعه کنید به پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان: من وصف القرآن لیوم الدین و الحساب نوشته شکر عیاد؛ توصیف محتوا و تحلیل روش، به راهنمایی دکتر مهرداد عباسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، ۱۳۹۹.